



The Dead Sea Scrolls and Their Connection to the Formation of the Fraudulent State of Israel

Maryam Salem  / Associate Professor, Department of Wisdom and Theology, Faculty of Theology and Religious Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
m_salem@sbu.ac.ir

Received: 2025/09/02 - Accepted: 2025/12/01 - Published: 2026/05/02

Abstract

Political Zionism, which from the late nineteenth and early twentieth centuries emphasized encouraging Jewish immigration from Europe and other parts of the world to Palestine and regarded mass immigration as the only way to establish a Jewish state, went to great lengths to find the necessary ideological tools. One such tool was the discovery of the Dead Sea Scrolls. Unlike the Nag Hammadi library, these scrolls not only did not undermine Jewish faith or the core beliefs of Zionism but also affirmed that Jews must cease living in other lands and assimilating with non-believers, and instead travel to the Promised Land as quickly as possible to fulfill divine promises and renew their covenant with God. According to these scrolls, the conquest of the entire world and the establishment of a Jewish civilization are divine promises that will only be realized with the formation of a powerful Jewish state in Palestine. Using library research and content analysis, this article examines the content of some of these scrolls relevant to the research question, as well as the statements of major Zionist leaders. It demonstrates that the discovery of the Dead Sea Scrolls is directly connected to the formation of the fraudulent state of Israel.

Keywords: Dead Sea Scrolls, Judaism, Zionism, Israel.

نوع مقاله: پژوهشی

طومارهای بحرالमित و ارتباط آن با تشکیل کشور جعلی اسرائیل

m_salem@sbu.ac.ir

مریم سالم  / دانشیار گروه حکمت و کلام، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ - انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

چکیده

صهیونیسم سیاسی که از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست بر ترغیب مهاجرت یهودیان اروپا و سایر نقاط جهان به فلسطین تأکید می‌کرد و تنها راه تشکیل دولت یهود را مهاجرت گسترده می‌دانست، برای یافتن ابزارهای اعتقادی لازم دست به هر کاری می‌زد. یکی از این ابزارها، کشف طومارهای بحرالमित بود که برخلاف طومارهای نجع حمادی، نه تنها ایمان یهودی و اصول اعتقادی صهیونیسم را از بین نبرد، بلکه بر این نکته صحه گذاشت که یهودیان باید از زندگی در سرزمین‌های دیگر و همرنگ جماعت کافران شدن دست بردارند و هرچه سریع‌تر برای تحقق وعده‌های الهی و تجدید عهد با خدا، به سرزمین موعود سفر کنند. طبق این طومارها، تسخیر کل عالم و تشکیل تمدن یهودی از وعده‌های الهی است که جز با تشکیل دولت قدرتمند یهود در فلسطین رخ نمی‌دهد. در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، محتوای برخی از این طومارها که مرتبط با مسئله پژوهش بودند و نیز سخنان سران مهم صهیونیسم بررسی و ثابت شد که کشف طومارهای بحرالमित با تشکیل کشور جعلی اسرائیل ارتباط مستقیم دارد.

کلیدواژه‌ها: طومارهای بحرالमित، یهودیت، صهیونیسم، اسرائیل.

مقدمه

اواخر سال ۱۹۴۶ یا اوایل ۱۹۴۷ میلادی در صحرایی متروک و دورافتاده نزدیک سواحل شمال غربی بحرالْمیت، در منطقه‌ای موسوم به قمران، چوپانی عرب که به دنبال بز گمشده‌اش می‌گشت، در غاری به وجود خمره‌هایی سفالین که در آنها طومارهایی از جنس چرم وجود داشت، پی برد. الیازار سوکنیک (Eleazar Sukenik)، استاد دانشگاه عبری اورشلیم در رشته باستان‌شناسی، نخستین کسی بود که در ابتدا از این کشف خبردار می‌شود. او و فرزندش ییگال سوکنیک (Yigal Sukenik)، مشهور به ایگال یادین (Yigael Yadin)، متولد سال ۱۹۱۷م در اورشلیم، که او نیز باستان‌شناس و از استادان برجسته دانشگاه عبری اورشلیم بود، تمام هفت مکشوفه غار را برای دانشگاه خریداری و پروژه بازگشایی از آنها را آغاز کرد. با کشف غارهای دیگر و پیدا شدن طومارهای بیشتر، این موضوع مورد توجه رسانه‌ها و مراکز پژوهشی واقع شد؛ زیرا خبر از اعتقادات و آداب و رسوم یهودیانی می‌داد که در دو قرن پایانی قبل از میلاد و اوایل میلادی در این مکان زندگی می‌کردند و می‌توانستند ریشه‌های مسیحیت اولیه و اعتقادات آنها را نیز برملا سازند.

فارغ از اهمیت این طومارها به لحاظ یافتن ریشه‌های تاریخی یهودیت دوره معبد دوم و بین‌العهدی، تعیین وثاقت کتاب‌های مقدس عبرانی، روشن کردن وضعیت فرهنگی مسیحیت اولیه و نکات مهم دیگر که در پژوهش‌های بیشماری به آنها پرداخته شده است، یک مسئله مهم مغفول مانده، ارتباط کشف این طومارها با تشکیل رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی و به رسمیت شناخته شدن کشوری به نام اسرائیل از سوی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م است. این موضوع زمانی مهم می‌شود که نخستین فردی که از راز این طومارها پرده برداشت، الیازار سوکنیک، یک صهیونیست ساکن اورشلیم بود و فرزندش ایگال یادین در زمان کشف طومارها معاون بن‌گوریون (David Ben-Gurion) و فرمانده هاگانا (Haganah) بود. بن‌گوریون لهستانی‌الصل، عضو حزب سوسیال دموکرات کارگران یهودی، رئیس آژانس یهود و اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود. ایگال یادین پیدا شدن این طومارها را در این برهه حساس که در یادداشت‌های پدرش نیز نمایان بود (یادین، ۱۳۹۰، ص ۳۹)، به فال نیک می‌گیرد؛ گویی که خداوند نیز از پیروزی یهودیان بر اعراب و استقلال یهودیان بعد از دو هزار سال آوارگی خوشحال است و با کشف این طومارها لطف خود را به یهودیان ارزانی می‌دارد تا آنها را در این استقلال، دلگرم و استوار سازد (یادین، ۱۳۹۰، ص ۲۲). این موضوع در محتوای نطق بن‌گوریون که تأسیس اسرائیل را بر اساس قطعنامه تقسیم ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م در مجمع عمومی سازمان ملل تحقق وعده الهی برای بازگشت یهودیان به سرزمین موعود می‌دانست، کاملاً قابل مشاهده است (Ben Gurion, 1948).

وقتی جمله معروف کارل اشمیت را در باب الهیات سیاسی به یاد می آوریم که «تمام مفاهیم مهم نظریه مدرن دولت مفاهیمی الهیاتی اند که عرفی شده اند» (اشمیت، ۱۴۰۱، ص ۷۵) و زمانی که به ماهیت آخرالزمانی محتوای بسیاری از این طومارها می اندیشیم، نمی توانیم به سادگی از این کشف ناگهانی و ارتباطش با اهداف صهیونیسم سیاسی در تشکیل دولت یهود در سرزمین موعود بگذریم. صهیونیسم به راحتی می تواند از الهیات به شدت سیاسی یهود (فدایی، ۱۴۰۳، ص ۲۱۵) به مثابه ابزاری استفاده کند تا بتواند استعمار خاورمیانه توسط قدرت های بزرگ آمریکا و انگلیس را در زیر چتر دولت مستقل یهود تداوم بخشد.

در این مقاله تلاش می کنیم که این موضوع را با بررسی زمان کشف، نویسندگان و محتوای طومارها و مقایسه آنها با آرای دو شخصیت مهم صهیونیسم، هر تسل و بن گوریون، بررسی کنیم. با وجود آثار ارزشمند نگارش یافته در موضوع طومارهای بحرالالمیت، اعم از مقاله و کتاب، مسئله مدنظر در این مقاله در هیچ یک بررسی نشده است.

۱. زمان و مکان کشف طومارهای بحرالالمیت و ارتباط آن با اهداف صهیونیسم

طبق کتاب مقدس و برخی متون آپوکریفایی، رسم مخفی کردن طومارها در خمره به منظور محافظت از آنها، در میان یهودیان فلسطین امری مرسوم و حتی مقدس بوده است:

خداوند قادر متعال، خدای اسرائیل چنین می فرماید: این قباله مهر و موم شده و رونوشت آن را بگیر و در کوزه های بگذار تا سال ها محفوظ بماند. این اسناد در آینده ارزش خواهند داشت... (ارمیا، ۳۲: ۱۴-۱۵). و تو اینها را به ترتیب قرار بده و با روغن سدر آنها را تذهین کن و در ظروف سفالی، در مکانی که او از آغاز آفرینش جهان آن را ساخته است، بگذار (The Assumption of Moses, I, p.17).

بر اساس شواهد می توان گفت که مسیحیان و یهودیان قرن ها پیش، از وجود این طومارها در غارهای اطراف بحرالالمیت آگاه بودند و حتی برخی از آنها را هم در اختیار داشتند. اورینگن (۱۸۵-۲۵۴م) درباره نسخه ای از کتاب مقدس که در حوالی اریحا یافته بود، سخن می گوید (یادین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲-۱۰۴): تیموتائوس اول (۷۲۶-۸۱۹م) در قرن هشت میلادی به کتاب هایی به خط عبری اشاره می کند که به طور اتفاقی توسط یک شکارچی عرب که سگش به درون غاری در مناطق کوهستانی اریحا رفته و برنگشته بود، کشف شدند (یادین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴-۱۰۶): قرقسانی در قرن نهم میلادی از «فرقه غار» یاد می کند که کتاب هایشان - که بیشتر تفسیر و شرح کتاب مقدس بودند - از دل غار پیدا شده بود (یادین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷). در قرون وسطی نیز دو کتاب قانون جامعه و سند دمشق، که از همین غارها به دست آمده بود، در دسترس مسیحیان بود (کریم پور، ۱۳۹۹، ص ۱۸). بنابراین، دست کم هفده قرن قبل از سال ۱۹۴۷م اسناد غارهای بحرالالمیت کشف شده بود و کشف اسناد موجود در این غارها توسط چوپانی

بدوی در ۱۹۴۷م به تکرار یک داستان قدیمی شبیه است تا کشف بزرگ کتاب مقدسی قرن بیستم!

نکته مهم و قابل توجه این است که کشف دوباره و ماجراجویانه این طومارها هم‌زمان می‌شود با اعلام استقلال کشور فلسطین اشغالی از سوی سازمان ملل متحد و آغاز جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی. کسانی هم که مدعی کشف این طومارها و خریداری و جمع‌آوری آنها برای دانشگاه عبری شدند، یک پدر و پسر یهودی، صهیونیسم، نظامی و باستان‌شناس بودند. ایگال یادین که فرمانده بسیار موفق هاگانا در آن زمان بود، احساس خود را از این کشف بزرگ! این‌گونه توصیف می‌کند:

من نمی‌توانم از ابراز این حس که یک واقعیت نمادین در کشف طومارها و چگونگی دستیابی به آنها در ارتباط با ایجاد حکومت اسرائیل وجود دارد، چشم‌پوشی کنم؛ زیرا این نسخه‌های خطی دو هزار سال پیشی در زمانی نوشته و آنها را در غارها پنهان کردند که قوم اسرائیل از خانه خود رانده و استقلال خود را از دست داد؛ و اینک پس از این زمان طولانی، هنگامی دوباره کشف شده و آشکار می‌گردند که این قوم دوباره به خانه خود بازگشته و استقلال خود را به‌دست آورده است. این حس نمادین زمانی به اوج خود می‌رسد که بدانیم نخستین سه طومار را پدرم در ۲۹ نوامبر سال ۱۹۴۷ برای اسرائیل خریداری کرد؛ یعنی دقیقاً همان روزی که سازمان ملل پس از دو هزار سال به تشکیل دوباره دولت یهود در اسرائیل رأی مثبت داد. این رخدادها نگاه و برخورد من را نسبت به طومارها تحت تأثیر قرار داد (یادین، ۱۳۹۰، ص ۲۲-۲۳).

۲. صاحبان طومارهای بحرالْمیت و ارتباط آن با تشکیل رژیم صهیونیستی

این فرضیه مطرح شده است که طومارهای مکشوفه متعلق به یک فرقه خاص نبودند؛ بلکه به‌دلیل شرایط آب‌وهوایی خاص سواحل بحرالْمیت، یهودیان مناطق مختلف فلسطین نوشته‌های مهم خود را در غارهای این منطقه می‌گذاشتند تا هم از شر دشمنان و هم از آسیب‌دیدگی به‌دلیل رطوبت زیاد هوای مناطق دیگر فلسطین در امان بمانند (یادین، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲؛ ورمش، ۱۳۹۹، ص ۸۳)؛ باین‌حال بسیاری از محققان بر اساس شواهد بسیار اصرار دارند که این آثار را به یک فرقه خاص، یعنی اسنی‌ها (Essenes/ Isiyim) نسبت دهند (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۷۹-۷۸، ۸۳ و ۱۱۵؛ لیم، ۱۴۰۴، ص ۱۱۸)؛ درحالی‌که در هیچ یک از آثار مکشوفه نامی از این فرقه دیده نمی‌شود (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴).

نخستین بار سوکنیک بود که یکی بودن قمرانیان و اسنیان را مطرح کرد (یادین، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴) و بعد از او با وجود شواهد بسیار مبنی بر تعارض گزارش‌های تاریخی از اسنیان با جامعه قمران و مخالفت برخی محققان برجسته با این موضوع (Baigent & Leigh, 1991, p.130; Goodman, 1995, p.161-6; Baumgarten, 2004, p.174)، همچنان اغلب محققان بر اسنی بودن قمرانیان تأکید داشتند. خربه قمران (Khirbet Qumran)، ویرانه‌ای

واقع در حدود پانصد متری شرق غارها و شمال وادی قمران است که قبلاً تصور می‌شد صرفاً دژری نظامی بوده و به دلیل کم‌اهمیت بودن آنها، در اواخر قرن نوزده رها شده بود. در سال ۱۹۵۱م و بعد از کشف طومارها، کاوش‌هایی برای یافتن ارتباط این ویرانه با غارها انجام شد. طی این کاوش‌ها مشخص شد که خربه، قبل از آنکه اردوگاهی نظامی باشد، ساختمان مرکزی منطقه‌ای مسکونی بوده است که در دوره‌های مختلف از قرن دوم قبل از میلاد تا حدود هفتاد میلادی و حتی تا اوایل قرن دوم میلادی توسط فرقه‌ای که ارتباط مستقیم با مکشوفات غارها دارند، مورد استفاده قرار می‌گرفت (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹؛ لیم، ۱۴۰۴، ص ۴۸-۵۵).

تنها مرجعی که می‌تواند مؤید اسنی بودن قمرانیان باشد، متنی از پلینی بزرگ (۷۹-۲۳م) در توصیف ساکنان غرب بحرالمت است (Pliny, 1961, v.II, V. xv. 73. p.277). تمام اطلاعات ما از اسنی‌ها به این گزارش پلینی بزرگ و گزارش‌ها و توصیف‌های فیلون اسکندرانی (Philo, 1993, Apology for the Jews, II, p.1-18; Every) (Good Man Is Free, XII, p.75-91) و یوسفوس (Josephus, 1927, The Jewish War, II, 8) برمی‌گردد. با وجود تفاوت‌هایی که در این سه گزارش وجود دارد، می‌توان بر مبنای اشتراکات گفت: یکی از ویژگی‌های اصلی این فرقه، زندگی کاملاً سازمانی و جمعی و اشتراک آنها در اموالشان و نفی مالکیت خصوصی بوده است؛ تمام اموال شخصی و دارایی‌ها به اعضای رده بالاتر سپرده می‌شد؛ شغل اصلی آنها کشاورزی بود؛ جامه سفید می‌پوشیدند و قبل از خوردن غذا غسل می‌کردند؛ از تقدیم قربانی و سوگند خوردن و غرایز جنسی پرهیز می‌کردند و اگر تنها برای تداوم نسل دست به ازدواج می‌زدند، مراقب بودند که از روی لذت نباشد؛ بسیار شریعتمدار و مقید به رعایت احکام روز سبت بودند؛ پزشکی و درمان جسم و روح را خوب می‌دانستند؛ قدرت پیشگویی داشتند و بسیار به تقدیر و نفی اراده آزاد معتقد بودند (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴).

اگرچه یوسفوس آنها را «پیشوایان صلح و آرامش» می‌داند و فیلون نیز می‌گوید: «هیچ سلاح جنگی را به هیچ منظوری نمی‌سازند» و در «عشق به خداوند، عشق به فضیلت و کمال و عشق به انسان‌ها» سرآمدند، اما در عین حال به مطالبی اشاره می‌کند که مشارکت آنها در نبرد با رومیان را نشان می‌دهد:

جنگ با رومیان ارواح ایشان را کاملاً با انواع بلا یا آزمود. آنها درحالی که به چهارمیخ کشیده شده و بیچ و تاب داده می‌شدند یا سوزانده شده و استخوان‌هایشان درهم شکسته می‌شد، مورد همه انواع شکنجه‌ها قرار می‌گرفتند تا شاید سرانجام به شریعت‌گزار خود کفر ورزیده یا چیز حرامی بخورند؛ ولی آنان هرگز چنین خواسته‌هایی را نپذیرفته و به شکنجه‌گران خود لابه و التماس نمی‌کردند و قطره‌ای اشک هم نمی‌ریختند. آنان درحالی که بر رنج‌های خود لبخند زده و به دژخیمان می‌خندیدند، با گشاده‌روی جان‌های خود را تسلیم خداوند می‌کردند و ایمان داشتند که سرانجام روزی دوباره آنها را باز خواهند یافت (Josephus, 1927, The Jewish War II, 8, 10).

شاید بتوان گفت علت اینکه محققان اصرار دارند قمرانیان را همان اسنی‌های محبوب معرفی کنند، موجی است که از قرن هجدهم به‌راه افتاد، مبنی بر اسنی دانستن عیسی که با این جمله فردریک کبیر در ۱۷۷۰م شروع شد: «عیسی واقعاً یک اسنی بود؛ او سرشار از اخلاق اسنی بود» (Baigent & Leigh, 1991, p.131). این موضوع تأکیدی بود بر وجهه باطنی و عرفانی مسیحیت و صلح‌طلب و اخلاقی بودن آن. در این نگاه، عیسی از مقام خدایی به مقام انسانی تنزل می‌یافت و می‌توانست شخصیتی واقعی و تاریخی باشد. بدین ترتیب، اسنی بودن در تصور اروپاییان قرن هجده به بعد، تداعیگر انسان‌هایی محبوب بود که نوع‌دوست و فضیلت‌محور بودند. با یکی دانستن قمرانیان با اسنی‌ها، این محبوبیت به قمرانیان منتقل می‌شود.

بر اساس جزئیاتی که در *قانون جامعه و سند دمشق* آمده است، تمام کسانی که می‌خواهند وارد جماعت قمران شوند، باید میثاقی دوباره ببندند و عهده‌ی را که خداوند از طریق موسی با یهودیان منعقد کرد و در ازای آن، یهودیان قوم مقدس و خاص خداوند و صاحبان سرزمین موعود شدند، تجدید کنند (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۳ و ۲۰۲). آنان، نه‌فقط بازماندگان واقعی شریعت یهود در زمان خود، «بلکه بازمانده همه دوران و بازمانده نهایی می‌دانستند که توبه کرده و بازگروندگان اسرائیل شده بودند» (CD, IV: 2; 4Q266, fr. 5: I؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳) و خداوند نیز به پاداش این کار، آموزگار حق را به‌سویشان فرستاد تا عهد تازه‌ای را با آنان منعقد سازد، که تنها شکل معتبر پیمان ابدی بین خدا و یهودیان بود. خداوند از این عهد ابدی به‌طور مشخص در ارمیا، ۳۱: ۳۴-۳۱ می‌گوید و در اشعیا، ۵۵: ۳؛ ۵۹: ۲۱ و ۶۱: ۸، حزقیال، ۳۶: ۲۸-۲۵ و باروک، ۲: ۳۵ نیز دیده می‌شود. قمرانیان معتقد بودند وارد میثاقی شده‌اند که تنها مفسر صحیح کتاب‌های مقدس و «آخرین تفسیر شریعت» است (CD, IV: 2; 4Q266, fr. 11; 270 fr. 7: ii؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳). پس فقط کسانی که در این میثاق جدید وارد شده‌اند، می‌توانند برگزیدگان خدا به‌شمار آیند و با فرشتگان آسمان پیوند یابند. این عهد جدید و برگزیدگی بنا به تقدیری ازلی است که خداوند برای آنها مقدر ساخته است (1QS, III: 13-IV: 1؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸). عضو جامعه به این یقین می‌رسید که در شهر حقیقی خداوند زندگی می‌کند؛ شهر میثاق که بر اساس شریعت و نوشته‌های پیامبران بنا شده بود (CD, VII: 13-18؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶). فرقه «خاندان قداست»، «خاندان کمال و حقیقت» (1QS: VIII: 5, 9؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶) و «خاندان شریعت» (CD, XIX (B2): ۱۰، ۱۳؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶) و یک «خاندان مطمئن» (CD, III: 19؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶) است که بر مبنای محکم استوار است. عضو فرقه که با عضویت در حلقه برادری قوت و استحکام می‌یافت، می‌توانست در درون خود نیز این صلابت را ایجاد کند و به دژی استوار تبدیل شود (ر.ک: 1QH, XV(formerly VII): ۷-۹؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶).

این ویژگی‌های برشمرده‌شده از این فرقه بسیار خاص، زمانی معنادار می‌شوند که به سخنرانی بن‌گوریون (۱۸۸۶-۱۹۷۳م) در ۱۴ می ۱۹۴۸م و دیدگاه‌های سوسیالیستی وی و بنیان صهیونیسم مراجعه می‌کنیم:

سرزمین اسرائیل زادگاه ملت یهود بود. در این سرزمین هویت معنوی، دینی و سیاسی آنان شکل گرفت. در اینجا بود که نخستین دولت خود را بنیان نهادند؛ ارزش‌های فرهنگی با اهمیت ملی و جهانی آفریدند و «کتاب کتاب‌ها» [تورات] را به جهانیان هدیه کردند. پس از آنکه به‌زور از سرزمین خود تبعید شدند، مردم یهود ایمان خود را به این سرزمین در تمام دوران پراکندگی حفظ کردند و همواره برای بازگشت به آن و بازیافت آزادی سیاسی خویش دعا و امید داشتند... این حق، حق طبیعی ملت یهود است برای آنکه چون دیگر ملت‌ها، سرنوشت خود را در کشور مستقل خود رقم زنند. بنابراین ما اعضای شورای مردم، نمایندگان جامعه یهودی سرزمین اسرائیل و جنبش صهیونیستی، در روز پایان قیمومت بریتانیا بر سرزمین اسرائیل، با استناد به حق طبیعی و تاریخی خود، و بر اساس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بدین وسیله تأسیس دولت یهودی در سرزمین اسرائیل را اعلام می‌کنیم که نام آن «دولت اسرائیل» خواهد بود... دولت اسرائیل درهای خود را به روی مهاجرت یهودیان و بازگشت تبعیدیان خواهد گشود؛ توسعه کشور را به نفع همه ساکنان آن دنبال خواهد کرد؛ بر پایه آزادی، عدالت و صلح بنا خواهد شد؛ چنان‌که پیامبران اسرائیل پیش‌بینی کرده‌اند، برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی را برای همه ساکنان خود بدون توجه به دین، نژاد یا جنسیت تضمین خواهد کرد؛ آزادی دین، وجدان، زبان، آموزش و فرهنگ را تضمین خواهد نمود؛ اماکن مقدس همه ادیان را پاس خواهد داشت؛ و به اصول منشور سازمان ملل متحد وفادار خواهد ماند... ما از سازمان ملل درخواست می‌کنیم که ملت یهود را در ساختن کشورش یاری دهد و دولت اسرائیل را به جمع ملت‌ها بپذیرد. ما در میانه حمله‌ای که ماه‌هاست بر ما تحمیل شده، ساکنان عرب کشور اسرائیل را به حفظ صلح و مشارکت در ساختن کشور بر اساس شهروندی کامل و برابر و نمایندگی شایسته در تمامی نهادهای موقت و دائمی کشور فرامی‌خوانیم؛ ما دست دوستی خود را به همه کشورهای همسایه و مردمشان دراز می‌کنیم، با پیشنهاد صلح و همزیستی نیکو؛ و از آنان می‌خواهیم که با ملت یهود، که در سرزمین خود ساکن شده، روابط همکاری و یاری متقابل برقرار کنند. دولت اسرائیل آماده است در تلاش مشترک برای پیشرفت کل خاورمیانه، سهم خود را ادا کند. ما از ملت یهود در سراسر دیاسپورا می‌خواهیم که گرد ملت یهود ساکن سرزمین اسرائیل گرد آیند؛ در مأموریت مهاجرت و سازندگی مشارکت کنند و در این نبرد بزرگ برای تحقق آرزوی دیرینه - رهایی اسرائیل - در کنار آنان بایستند. با توکل بر «صخره اسرائیل»، ما این اعلامیه را در این جلسه شورای موقت دولت، در خاک میهن، در شهر تل‌آویو، در شامگاه سبت، پنجم ایار ۵۷۰۸ عبری (۱۴ می ۱۹۴۸) امضا می‌کنیم.

عبارت «صخره اسرائیل» که با زیرکی انتخاب شده، در سنت یهودی یکی از القاب خدا و رمز پایداری، قدرت و پشتیبانی است (مزامیر، ۱۸: ۲؛ تثنیه، ۳۲: ۴). در نگاه سکولار صهیونیسم، «صخره اسرائیل» اشاره‌ای نمادین

است به استقامت تاریخی ملت یهود، هویت ملی و فرهنگی یهودیان و ارادهٔ جمعی برای بازسازی سرزمین. بن گوریون که در سال ۱۹۰۶م به فلسطین مهاجرت کرد، از رهبران اتحادیهٔ کارگران یهودی موسوم به «هیستادروت» (Histadrut) بود (رضایی پناه، ۱۳۹۳، ص ۳۱) که ماهیتی سوسیالیستی داشت. سوسیالیسم یک نظام اقتصادی و سیاسی است که مبتنی بر مالکیت جمعی بر وسایل تولید است. در این نظام، تمام تصمیمات قانونی تولید و توزیع توسط دولت در یک سیستم سوسیالیستی اتخاذ می شود. دولت همچنین تمام سطوح تولید و قیمت گذاری را تعیین و همه چیز را - از غذا گرفته تا مراقبت های بهداشتی - برای شهروندان خود تأمین می کند. طرفداران سوسیالیسم معتقدند که این امر به توزیع برابر کالاها و خدمات و جامعهٔ عادلانه تر منجر می شود.

تئودور هرتسل که در بیانیهٔ بن گوریون «پدر معنوی دولت یهود» خوانده شد، در کتاب دولت یهود که مراحل و الزامات عملی تشکیل دولت واقعی یهود را در سرزمین فلسطین تشریح می کند، «مسئلهٔ یهود» (ر.ک: مارکس، ۱۴۰۲، ص ۱۱) را یک مسئلهٔ ملی (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۶۸) و لذا راه حل آن را فقط در تشکیل دولتی ملی در ارض موعود می داند (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۸۹ و ۹۸؛ صانعی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶). پیشنهاد های وی برای تشکیل این دولت از طریق دو نهاد «جامعهٔ یهود» و «شرکت یهود» (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۷۶)، رنگ و بوی سوسیالیستی دارد. از نظر او، مردم یهود به دلیل پراکندگی و به حاشیه رانده شدن در سرزمین های مختلف، از مدیریت امور سیاسی خود محروم بودند و لذا به وکیلی اضطراری نیاز دارند که مجمعی مشترک است به نام «جامعهٔ یهود» که «شرکت یهود» از طریق سرمایه گذاری های کلان و مشارکت مالی تمام یهودیان و حتی غیریهودیان، هزینه های لازم را برای «جامعهٔ یهود» فراهم می کند (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۸۶، ۹۱، ۱۱۵-۱۱۶ و ۱۳۶).

با وجود اهمیتی که هرتسل به شرکت یهود می دهد، اما با احترام به مالکیت خصوصی، شرکت را از کنترل مؤسسات خصوصی برحذر می دارد (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). این صحبت او را می توان صرفاً در جهت تشویق مهاجرت هر چه بیشتر طبقهٔ کارگر به فلسطین معنا کرد (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱)؛ و گرنه تلقی وی در ابتدای تشکیل دولت یهود، رسیدن به منافع جمعی از طریق مشارکت جمعی تمام یهودیان جهان در قالب «جامعهٔ یهود» است: «جامعهٔ یهود مالک همهٔ اسناد و مراجعی است که دارایی های شرکت یهود را تعیین می کند» (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵).

در اسناد بحرالْمیت نیز قمرانیان با وجود اهمیتی که به زندگی جمعی و اشتراکی می دهند که تداویگر اهداف سوسیالیستی سران صهیونیسم است، مالکیت خصوصی را نفی نکرده اند، که به نظر محققان، نشان از تحول و رشد سازمانی فرقهٔ قمران طی دو قرن است (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵)؛ تحولاتی که در صهیونیسم متأخر از سوسیالیسم و آرمان های حزب کارگر به سمت نئولیبرال و

سوسیال دموکرات و اقتصاد آزاد با گرایش اجتماعی رفت.

در دولت یهود هرتسل، حکومت الهی جایگاهی ندارد. وی با وجود استفاده‌های زیاد از اعتقادات مذهبی مشترک یهودیان و آرزوی آنها برای بازگشت به سرزمین موعود (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷-۱۱۸) و بیان ضرورت هدایت تمام گروه‌ها و طبقات مهاجران توسط خاخام‌ها (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰)، بنا بر اندیشه‌های سکولارش معتقد است: «باید همان‌گونه که نظامیان را در پادگان جای می‌دهیم، روحانیان خود را در محدوده معابد نگاه داریم. ارتش و روحانیت به‌خاطر عملکردهای ارزشمند، سزاوار احترام بالاتری هستند؛ اما نباید در اداره دولتی که به آنها امتیازاتی داده است، دخالت کنند» (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳).

محققان با بررسی شواهد حدس می‌زنند «آموزگار حق» که با پیروانش به قمران پناه می‌برد، در زمان حاکمان حشمونائیم بوده است (باغبانی، ۱۳۸۸، ص ۵۹-۶۲) و «کاهن شریب» یوناتان مکابی بوده که هم پادشاه و هم کاهن بوده است (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳؛ کریمی والا و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۱۴). قمرانیان مخالف جمع کهنات و حکومت در شخص واحد بودند. به اعتقاد آنها، حاکم غیرروحانی باید از نسل داوود و کاهن از خاندان صادوق و از نسل هارون باشد و در آخرالزمان نیز دو مسیحا ظهور خواهند کرد؛ یکی هارونی و دیگری اسرائیلی (یادین، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰-۲۲۱).

هرتسل در دولت یهود می‌گوید: «معتقدم نسل شگرف یهودیان به‌وجود خواهد آمد؛ مکابی‌ها دوباره بر خواهند خاست» (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). مکابی‌ها یهودیان بسیار دیندار بودند که در زمان سیطره سلوکیان بر یهودیه (۱۷۵م)، همرنگی با جماعت یونانی را برنفتند و دست به شورش زدند و توانستند استقلال یهودیه را به‌دست آورند و سلسله حشمونائیم (۱۴۰-۳۷ ق.م) را تأسیس کنند. هرتسل بارها در کتاب دولت یهود به یهودیانی که جذب فرهنگ‌های دیگر شده‌اند، خرده می‌گیرد و آن را مانع یهودی‌ستیزی‌ای که در اعماق قلب مردم وجود دارد، نمی‌داند (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۶۹ و ۸۵).

هر شخصی که بتواند، بخواهد و باید نابود شود، بگذارید بشود؛ اما ملیت متمایز یهودیان، نه می‌تواند، نه می‌خواهد و نه باید نابود شود. بدان علت نمی‌تواند نابود شود که دشمنان خارجی موجب اتحاد آن شده‌اند. این ملیت طی دو هزار سال عذاب وحشتناک نشان داده است که نمی‌خواهد نابود شود و نباید نابود شود... ممکن است تمام شاخه‌های یهودیگری خشک و نابود شود؛ اما تنه آن باقی خواهد ماند (هرتسل، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

بن‌گوریون نیز به هر طریقی به مهاجرت گسترده و البته برنامه‌ریزی شده یهودیان به فلسطین اهمیت می‌داد و آن را همواره دنبال می‌کرد. اگرچه وی با تحریک احساسات دینی مهاجرت را امری ایدئولوژیک، وابسته به تقدیر یهودیان و عامل نجات یهودیان در ستم قلمداد می‌کرد، اما بر کسی پوشیده نیست که وی مهاجرت را صرفاً

وسيله‌ای برای ساخت دولت اسرائیل می‌دید (Picard, 2018, p.384-386). واژه Aliyah که وی به کار می‌برد، واژه‌ای مقدس برای مهاجرت به سرزمین موعود و به معنای صعود است (Lew, 2025) و هم‌رنگ شدن یهودیان با دیگران در دیاسپورا و عدم میل آنها به مهاجرت را نوعی بیماری و اطاعت نکردن از دستور خدا می‌دانست (المیسری، ۱۹۹۹، ج ۷، ص ۲۴۴).

در نگاه بن‌گوریون، بارکوخبا، شخصیت مهم و مبارز یهودی که در ۱۳۳۲م با رومیان جنگید و به مدت دو سال یهودیه را از چنگ رومیان خارج کرد، نماد مبارزه برضد محو شدن در تمدن بیگانگان و حفظ هویت یهودی است (Ben Gurion, 1954, p.135). وی تمام یهودیان را دعوت می‌کند که با تمام وجود در مقابل همگون شدن در فرهنگ‌های دیگر بایستند و برای بازگشت به وطن، از جان مایه بگذارند تا سرانجام با وجود عده کم پیروز شوند (Ben Gurion, 1954, p.138-139).

طبق شواهد باقی‌مانده از آخرین کاربری خربۀ قمران، محققان معتقدند که یهودیان همراه بارکوخبا آخرین افرادی بودند که برای دستیابی به استقلال و آزادی، در این مکان تا پای جانشان در برابر رومیان ایستادگی کردند (لیم، ۱۴۰۴، ص ۵۴). بنابراین، خربۀ قمران و زندگی قمرانیان نمادی است برضد همگونی و محو شدن در فرهنگ بیگانگان، حفظ هویت ناسیونالیستی اسرائیلی، و استقلال و آزادی یهودیان.

آرمان ناسیونالیستی صهیونیست‌ها و تفکرات سوسیالیستی آنها به‌خوبی در طومارها، قوانین قمرانیان و مبارزات آنها با اقوام بیگانه (کتیم) دیده می‌شود (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰-۱۳۱). بنابراین، حضور چنین افراد قانونمند، پرکار، پرشور، باغیرت، مبارز، شریعتمدار، پارسا و حکیم، که دو هزار سال پیش در یهودیه زندگی می‌کردند و در دل تاریخ فراموش شده‌اند و اکنون در زمان بازگشت یهودیان به این سرزمین، اسنادشان کشف و تاریخ زندگی‌شان آشکار می‌شود، می‌تواند یهودیانی را که جلای وطن کرده و با آرمان‌های صهیونیسم همراه شده و به سرزمین فلسطین مهاجرت کرده‌اند، به تقدیر الهی امیدوار کند و آنها را به یقین برساند که صهیونیسم همان مسیحایی است که قرار است یهودیان را در امن و امان در سرزمین موعود ساکن کند و وعده‌های الهی را تحقق بخشد.

۳. محتوای طومارها و ارتباط آن با تشکیل رژیم صهیونیستی

در سال ۱۹۴۵م کشاورزی عرب در مصر علیا، در منطقه نجع حمادی (Nag Hammādī)، به کشف باستان‌شناختی بزرگی مفتخر شد. وی به‌طور اتفاقی کوزه‌هایی را از زیر زمین یافت که در آنها کتاب‌هایی به زبان قبطی بود که اگرچه قدمت خود این نسخه‌ها به سال ۳۵۰ تا ۴۰۰م برمی‌گشت، ولی از نسخه‌هایی به زبان یونانی و متعلق به قبل از سال ۱۲۰ تا ۱۵۰م رونویسی شده بودند. جمله‌ای که یکی از باستان‌شناسان توانست

در سطر اول یکی از ۵۲ کتاب مکشوفه بخواند، ماهیت این آثار را روشن کرد: «اینها کلمات سرّی اند که عیسی زنده تقریر کرد و برادر دوقلوی او یهودا توما آنها را نوشت» (Gospel of Thomas, Prologue). این کتابها انجیل‌هایی ناشناخته متعلق به مسیحیت اولیه بودند که محتوایی رازآلود و در موارد بسیار، کاملاً مغایر با انجیل‌های کنونی و متضاد با عقاید کلیسای کاتولیک داشتند. انجیل‌های توماس، فلیپ، حقیقت، مصریان و نوشته‌هایی متعلق به حواریان، بخش‌هایی از این مجموعه بودند (پیگلز، ۱۳۹۵، ص ۵). با مطالعات انجام‌شده مشخص شد این آثار که زلزله‌ای عجیب بر پیکره مسیحیت وارد کرد، متعلق به مسیحیان گنوسی ساکن در مصر بود که بعد از رسمی شدن مسیحیت در قرن چهارم میلادی توسط کنستانتین و تشکیل شوراها، بدعت‌گذار شناخته شده بودند و باید آثارشان سوزانده می‌شد. آنها کتاب‌هایشان را در کوزه‌ها و زیر صخره‌های این منطقه مدفون کردند تا در امان بمانند (پیگلز، ۱۳۹۵، ص ۹).

کشف این طومارها نشان داد که آنچه به‌عنوان اصول اعتقادی مسیحیت در قرن حاضر ارائه می‌شود، چیزی جز ماحصل تفاهم‌نامه‌هایی که از قرن چهارم به بعد منعقد شده‌اند، نیست و این دین اصالت ندارد و مسیحیان اولیه اعتقادات بسیار متفاوتی درباره شخصیت حضرت عیسی علیه السلام، تولد، رستخیز، الوهیت و به ملکوت رفتن وی، آموزه نجات و... داشتند.

تقریباً هم‌زمان با این کشف تحول‌آفرین، طومارهای بحرالمیت کشف شدند؛ اما با یک تفاوت بسیار بزرگ. برخلاف کشفیات نجع حمادی، طومارهای بحرالمیت که به آخرین یهودیان ساکن در اسرائیل متعلق است، همان کتاب‌ها و همان باورهایی را مطرح می‌کردند که یهودیان در طول تاریخ تبعیدشان داشته‌اند؛ لذا به یهودیان قرن بیستم نشان دادند که یهودیان راست‌گیش و پارسای ساکن قمران که تا پای جان بر سر اعتقادات ملی - مذهبی‌شان ایستادند، با یهودیانی که امروزه در نقاط مختلف جهان ساکن‌اند و با وجود آزار و اذیت‌های فراوان محو فرهنگ‌های دیگر نشده و هویت و ملیت خود را حفظ کرده و در آرزوی بازگشت به سرزمین موعود، دیاسپورا را تحمل کرده‌اند، تفاوتی ندارند؛ ضمن اینکه آنها همان انسانی‌های محبوب - پیش‌تازان صلح و دوستی و اخلاق - هستند. این مطلب زمانی جالب‌تر می‌شود که می‌بینیم در کنار نسخه‌هایی از کتاب‌های عهد قدیم، آثار فرقه‌ای کشف می‌شود که دقیقاً هماهنگ با سیاست‌های صهیونیسم سیاسی است.

از هزاران قطعه کوچک و بزرگی که در غارهای یازده‌گانه قمران کشف شد، همه بخش‌های کتاب مقدس عبرانی، به‌جز کتاب استر، به‌طور کامل یا ناقص وجود دارند. افزون‌براین، برخی کتاب‌ها که فقط در نسخه هفتادی است و برخی کتاب‌های دینی غیرقانونی که از زمان‌های قدیم بین یهودیان مطرح و مهم بوده، به زبان اصلی‌شان که عبری یا آرامی بود نیز یافت شد. انواع مختلفی از تفاسیر کتاب مقدس، کتاب‌های حکمی، آیینی، مقررات

و... نیز در این مجموعه وجود دارد که مختص جامعه قمران است (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۷۵-۷۶).

از میان تمام آثار مکشوفه، تنها هفت طومار اولیه که توسط سوکنیک و فرزندش به اورشلیم برگردانده شد، در فاصله‌ای کوتاه (از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۵م) زیر نظر این دو، چاپ شد و همزمان اسنی بودن صاحبان قمران نیز از سوی آنها نشر یافت. با وجود کشفیات روزافزون در غارها، به یکباره انتشار طومارها متوقف و بسیار محدود شد و کار بررسی، ویرایش و ترجمه متون به یک فعالیت سرّی مبدل گشت. در سال ۱۹۹۱م، فشار رسانه‌ها و مراکز تحقیقاتی باعث شد که سرانجام ویراستاران نتایج کارهای خود یا دست‌کم عکس‌هایی از مکشوفات را منتشر کنند. برخی از محققان معتقدند که علت اصلی سرّی شدن پروژه، کلیسای کاتولیک بود (ر.ک: Baigent & Leigh, 1991)؛ زیرا گمان می‌رفت که این آثار نیز همانند آثار مکشوفه در نجع حمادی انقلابی در اعتقادات مسیحیان ایجاد کند. کاتولیک بودن بسیاری از ویراستاران اولیه، به‌ویژه پدر رولان دو وو (Roland de Vaux)، سرپرست حفاری‌های قمران و مدیر تیم علمی اولیه، که فرانسوی و وابسته به مدرسه کتاب مقدس دومینیکن در اورشلیم بود، می‌توانست این فرضیه را تقویت کند؛ اما به‌واقع این طومارها ربط چندانی به مسیحیت ندارند و حتی متون آخرالزمانی و مسیحایی آنها نیز به‌سختی می‌تواند با مسیحیت اولیه مرتبط باشد. این طومارها فقط می‌توانستند ریشه‌های یهودیت مسیحیت اولیه را به‌خوبی نشان دهند که چیز جدیدی نبود (کاظمی، ۱۴۰۲، ص ۹۹).

هفت طومار مکشوفه از غار اول که تقریباً کامل بودند، عبارت بودند از: طومار اول اشعیا (شامل تمام ۶۶ باب)؛ طومار دوم اشعیا (شامل بخش‌هایی از کتاب اشعیا)؛ طومار جنگ فرزندان نور با فرزندان تاریکی؛ طومار سپاس؛ طومار تفسیر کتاب حبقوق؛ قانون جامعه؛ و طومار لامک (کتاب مجعول پیدایش). ارتباط محتوای این طومارها با آرمان‌ها و شعارهای صهیونیسم مؤیدی است بر وجود اسرار پشت پرده صهیونیستی در کشف طومارها. کافی است نگاهی مختصر به متن همین هفت طومار بیفکنیم. مهم‌ترین طومار مکشوفه، که ماهیت ساکنان قمران را مشخص می‌کند، طومار قانون جامعه است که به‌شکلی منشور و منظوم نگاشته شده است. این طومار با این جملات آغاز می‌شود:

استاد، مقدسین را برای زندگی بر طبق کتاب قانون جامعه تعلیم می‌دهد که با همه دل و جان خود در طلب خدا باشند و آنچه را که نزد او نیکو و درست است، بدان گونه که به دست موسی و همه خادمانش پیامبران فرموده، انجام دهند؛ تا همه آنچه را که او برگزیده، دوست بدارند و از آنچه که از درگاه خود رانده، بیزاری جویند. از شرارت‌ها بپرهیزند و به نیکی‌ها پایبند باشند؛ حق، پاکی و عدالت را بر زمین اجرا کنند و مصرانه از دلی پرگناه و چشمانی هرزه با ارتکاب همه گونه شرارت پیروی نمایند.... همه کسانی که خود را وقف حقیقت او می‌کنند، تمام معرفت، قدرت‌ها و اموال خویش را به جامعه خدا می‌آورند تا معرفتشان را در حقیقت فرایض خداوند پاک ساخته و قدرت‌هایشان را

طبق طریق‌های کمال او و همه اموال خود را طبق مشورت راستین او سامان بخشند... همه آنان که قانون جامعه را می‌پذیرند، پیش خدا وارد میثاق می‌شوند تا همه دستوراتش را اطاعت کنند؛ به گونه‌ای که در دوره غلبه بلیئیل به‌خاطر ترس یا وحشت یا بله، او را رها نمایند... همه واردشدگان به میثاق، اقرار کرده و می‌گویند: ...ما و پدران ما پیش از ما گناه کرده و با گام برداشتن برخلاف فرایض حق و پاکی، شیرانه عمل کرده‌ایم؛ و خداوند ما و پدرانمان را مجازات فرموده است؛ اما باین حال شفقت فراوانش را از ازل تا ابد بر ما فروریخته است (I-QS I-II؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۲-۱۷۳).

طبق این طومار، اگرچه انسان‌ها از طریق روح حق و ستم و به‌راهنمایی امیر روشنایی یا فرشته ظلمت می‌توانند در مسیر زندگی‌شان حق یا باطل را برگزینند (I-QS III؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵)، اما به‌واقع تقدیر هر کس از ازل مشخص شده است: یا در مسیر نور قدم برمی‌دارد یا در مسیر ظلمت (I-QS III؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴-۱۷۷). خدای اسرائیل و فرشته راستی‌اش نیز فرزندان نور را یاری می‌کنند تا در اسارت فرشته ظلمت گمراه نشوند (I-QS III؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵). از آنجاکه هر کس در میثاق جماعت وارد شود، از فرزندان نور است و دیگران شرور و از فرزندان ظلمت‌اند، لذا «خشم الهی برای محکوم کردن آنها برانگیخته شده و انتقام از ایشان با لعنت‌های عهد، تحقق خواهد یافت و مجازات عظیم نابودی ابدی، آنان را دربر خواهد گرفت؛ آن گونه که چیزی از آنها باقی نخواهد گذاشت» و باید از آنها دوری کرد (خروج، ۲۳: ۷) و به‌هیچ‌وجه از آنان پیروی نکرد (I-QS V؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۷).

نکته مهم دیگر که در این طومار به‌خوبی نمایان است، مهاجرت است. قمرانیان «از جمع اهل ظلم جدا شده و با یکدیگر همراه می‌شوند... هر تصمیمی درباره عقیده، اموال و عدالت، به‌دست اهل جماعت گرفته می‌شود» (I-QS V؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۷۶).

وقتی اینان در اسرائیل‌اند، شورای جامعه در حق استقرار خواهد داشت. این نهایی جاودانه است. خاندان پارسایی برای اسرائیل، مجمعی از والاترین پارسایی برای هارون، آنها در داوری شاهدان حقیقت خواهند بود و منتخبان نیک‌خواهی هستند که کفاره سرزمین را پرداخته و شریران را به سزایشان می‌رسانند. این همان دیوار مستحکم و همان سنگ زاویه گران قدر است که بنیان‌هایش هیچ‌گاه تکان نخورده و از جا نمی‌لغزند (اشعیا، ۲۸: ۱۶) (I-QS VIII؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۸۰).

تمام مخالفان آنها، چه یهودیان و چه غیریهودیان، شرور و مطیع فرشته ظلمت‌اند و لذا ملعون ابدی و مستحق نابودی‌اند. هر کس مهاجرت کند و به این سرزمین بیاید و خود را وارد میثاق جامعه کند، نجات می‌یابد و رستگار می‌شود. جمله «این زمان هموار کردن راه در صحراست» (اشعیا، ۴۰: ۳) (I-QS IX؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۸۲) ما را به یاد سخنان بن‌گوریون و هر تسلی می‌اندازد که کارگران مهاجر اولیه را هموارکننده راه برای مهاجرت دیگران می‌دانند.

در این طومار، از آمدن دو مسیح سخن به‌میان می‌آید: «تا آن پیامبر و مسیحان، هارون و اسرائیل،

بیابند» (1QS IX؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۸۲)؛ یعنی یک کاهن و یک پادشاه ظهور خواهند کرد که با منش سکولاری صهیونیسم همسوست.

طومار جنگ که سوکنیک و ایگال یادین به‌طور ویژه روی آن کار کردند و به‌سرعت منتشر شد (۱۹۵۴م)، صرفاً یک آیین‌نامه ساده جنگ نیست؛ بلکه نوشته‌ای اعتقادی و نمادین از کشمکش ابدی بین خیر و شر است که سرانجام طبق آنچه مقدر شده، با دخالت «دست نیرومند خدا» (1QM I؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۲۴۳)، برای همیشه بلیعَل (شیطان) و سپاه ظلمانی‌اش نابود و جبهه حق پیروز می‌شود (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۲۴۲). در این طومار، مراحل جنگ با جزئیات کامل بیان می‌شود و فرزندان نور برضد فرزندان تاریکی، بعد از دوران مشقت بزرگ، وارد جنگ می‌شوند. نخستین مرحله جنگ زمانی شروع می‌شود که «فرزندان تبعیدشده نور از صحرای امت‌ها برای اردو زدن به صحرای اورشلیم بازگردند». آغازگر جنگ، اسرائیلی‌ها هستند و به‌طور ناگهانی است؛ همانند چهل سال اقامت بنی‌اسرائیل در صحرا بعد از خروج از مصر (یادین، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲)، چهل سال طول می‌کشد و اگرچه در برخی مراحل شکست‌هایی را متحمل می‌شوند، ولی سرانجام با کمک خداوند با غلبه کامل بر کتیم به پایان خواهد رسید و «پسران پاکی بر همه کرانه‌های زمین نورافشانی خواهند کرد. آنها به نورافشانی ادامه می‌دهند تا دوران‌های ظلمت به‌سر آید و در موسمی که خدا مقرر داشته، عظمت اعلایش تا ابد بر صلح، برکت، جلال، شادمانی و حیات طولانی همه پسران نور می‌تابد» (1QM I؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۲۴۲).

طومار جنگ، جنگی کاملاً مقدس را ترسیم می‌کند که صاحبش خداست: «به‌درستی که جنگ از آن توست» (1QM X؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۱۴۶) و در تمام مراحل، خدا و ملائک مقربش در کنار اسرائیلی‌ها هستند:

موسی به ما آموخت: تو در میان ما هستی؛ خدایی نیرومند و هول‌انگیز که دشمنان ما را از مقابل روی ما به فرار وامی‌داری. او به نسل‌های ما در روزگاران پیشین این سخن را فرمود: چون به جنگ نزدیک می‌شوید، کاهن برمی‌خیزد و به مردم می‌گوید: بشنو، ای اسرائیل! تو امروز به جنگ با دشمنانت نزدیک می‌شوی. نترس! نگذار دل‌هایت ترسان شود! هراسان نباش و ترسی نداشته باش! زیرا خداوند نیز با تو به ضد دشمنانت برای تو به جنگ می‌رود تا تو را خلاصی بخشد (تثیه، ۲۰: ۴-۲؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۲۵۰).

در این طومار، وعده الهی مبنی بر آمدن «ستاره‌ای از نسل یعقوب» که فرمانروای اسرائیل خواهد بود و با تمام دشمنان اسرائیل جنگیده و همه را نابود خواهد کرد، تأیید می‌شود. خداوند سرانجام «فرمانروایی میکائیل را در میان خدایان و قلمرو اسرائیل را در همه جسمانیات برقرار خواهد کرد» (1QM XVII؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۲۵۷-۲۵۸).

نکته قابل توجه در این طومار که به ابیاتی منظوم نیز آراسته است و لذا تأثیرگذاری‌اش بر مخاطب دوچندان می‌شود، این است که نبرد اسرائیل با اقوام دیگر، نه برای به‌دست آوردن سرزمین موعود (از نیل تا فرات)، که

برای تسخیر بر تمام دنیا است. در این طومار، اسامی قبایل متعددی ذکر شده که البته نمادین بوده و حاکی از تمام دشمنان اسرائیل است: تمام سرزمین‌های جنوبی، شمالی، شرقی و غربی، از آفریقا گرفته تا تمام کشورهای شمالی (اروپا و اوراسیا)، خاورمیانه و نزدیک و دور. کتیم که در کتاب مقدس بر یونانیان و رومیان قابل اطلاق است (پیدایش، ۱۰: ۴؛ دانیال، ۳۰: ۱۱؛ مکابیان، ۱: ۱ و ۸: ۵)، نماد تمام قدرت‌های بزرگی است که سد راه اسرائیل‌اند. بنابراین، این طومار که بسیار مورد توجه ایگال یادین، معاون بن‌گوریون و فرمانده هاگانا بود، در عباراتی رمزی مراحل و سازوکار جنگی مقدس را برای تصاحب تمام کرهٔ خاکی بیان می‌کند؛ امپراتوری یکپارچه و عظیم صهیونیستی بر تمام دنیا.

در این طومار، قوانین مفصلی برای انواع شیپورها آمده است. یکی از کاربردهای مهم شیپور طبق این طومار این است که خدا بنا بر وعدهٔ خود به کمک اسرائیلی‌ها بشتابد؛ آنجا که در کتاب مقدس به موسی فرمان داده است: «چون در زمین خود به جنگ با جبارانی رفتید که بر تو زور می‌آورند، در شیپورها بدمید و آن‌گاه خدا شما را به‌یاد خواهد آورد و از دشمنان خود خلاصی خواهید یافت» (اعداد، ۱۰: ۹). به‌صدا درآمدن آژیرهای خطر در سراسر سرزمین‌های اشغالی به هنگام حملهٔ نیروهای مقاومت، می‌تواند تداعیگر این موضوع باشد.

کتاب اشعیا یکی از مهم‌ترین کتاب‌های کتاب مقدس است که کاملاً با نگاه آخرالزمانی نگاشته شده است. اشعیا نبی به‌سبب مشارکت فعال در امور سرزمینی خود، قهرمانی ملی محسوب می‌شود (سیار، ۱۴۰۳، ص ۳۷-۳۹). این کتاب با سبکی منظوم، که گاه با عبارات منثور همراه می‌شود، با استعاره‌های فراوان و زیبایی، در مجموعهٔ کتاب مقدس منحصربه‌فرد است. اشعیا بزرگ‌ترین پیامبرانی است که از منجی خبر می‌دهد؛ پادشاهی از نسل داوود که صلح و دادگری را بر زمین حکم‌فرما و معرفت خدا را اشاعه خواهد داد (اشعیا، ۲: ۵-۱؛ ۷: ۱۰-۱۷؛ ۹: ۱-۶ و ۸-۱۱؛ ۹-۱؛ ۲۸: ۱۶-۱۷، ۳۲: ۱). نقل برخی فقرات این کتاب به‌خوبی ارتباط آن را با اهداف صهیونیسم سیاسی روشن می‌کند:

خداوند قادر مطلق در اورشلیم بر کوه صهیون ضیافتی برای تمام قوم‌های جهان برپا خواهد کرد و سفره‌ای رنگین خواهد گستراند، با انواع غذاهای لذیذ و شراب‌های کهنهٔ گوارا. در آنجا او بر تیره را که بر تمام مردم دنیا سایه افکنده است، کنار خواهد زد و مرگ را برای همیشه نابود خواهد کرد. خداوند هر اشکی را از چشم‌ها پاک خواهد کرد و ننگ قوم خود را از روی تمام زمین بر خواهد داشت (۲۵: ۸-۶). اینک سنگی در صهیون خواهم نهاد... بس محکم. آن کس بر آن اطمینان کند، متزلزل نخواهد شد (۲۸: ۱۶) ای قوم صهیون که ساکن اورشلیم هستی! دیگر نخواهی گریست؛ زیرا به‌سبب فغانی که برمی‌آوری، بر تو لطف خواهد کرد؛ به‌محض شنیدن آن، تو را پاسخ خواهد گفت (۳۰: ۱۹).

من نیز که خداوند قادر متعال هستم، برای دفاع از کوه صهیون خواهم آمد و از کسی نخواهم ترسید. مانند پرنده‌ای که در اطراف آشیانهٔ خود پر می‌زند تا از جوجه‌هایش حمایت کند، من نیز

از اورشلیم حمایت خواهم کرد و آن را نجات خواهم داد (۳۱: ۵-۴).

باز خریدگان در آن گام برخواهند داشت. آنان که خداوند آزادشان ساخته است، باز خواهند گشت و به صهیون خواهند رسید و بانگ شادی سر خواهند داد (۳۵: ۹-۱۰).

ای پیک صهیون! بر کوه بلند برای. ای پیک اورشلیم! آوای خویش را برآور و بلند کن؛ آوای خویش را برآور و بیمناک مباش و شهرهای یهودا را بگوی: اینک خدای شما می‌آید؛ بلی خداوند می‌آید تا با قدرت حکومت کند (۴۰: ۹-۱۰).

اوست که شهر مرادگر بار بنا خواهد کرد و بی‌فدیه و تاوان، تبعیدیان مرا به وطن باز خواهد گرداند (۴۵: ۱۳) خداوند بر صهیون ترحم می‌کند و بر تمامی ویرانه‌های آن ترحم می‌کند؛ بیابان آن را مبدل به عدن خواهد کرد... و در آن شادی و سرور خواهند یافت (۵۱: ۳).

ملت و مملکتی که تو را خدمت نگذارد، هلاک خواهد شد و ملت‌ها از میان خواهند رفت. مجد لبنان نزد تو خواهد آمد... جملهٔ آنان که تو را سخره می‌کردند، بر پاهایت به سجده در خواهند آمد و تو را شهر خدا و صهیون قدّوس اسرائیل خواند (۶۰: ۱-۱۴).

اینک خداوند آوای خود را تا اقصای زمین به گوش‌ها می‌رساند: دختر صهیون را بگوئید: اینک نجات تو درمی‌رسد... ایشان را قوم مقدس و باز خریدگان خداوند خواند و تو را خواستنی و شهر غیر متروک خواهند نامید (۶۲: ۱۱-۱۲).

کاربرد زیاد واژهٔ «صهیون» در این کتاب می‌تواند به‌خوبی در راستای اهداف صهیونیسم باشد. در این کتاب، آیاتی نیز مبنی بر برحذر داشتن یهودیان از پناه بردن به دامان قدرت‌های بزرگ دیگر و ترک اورشلیم آمده است:

وای بر پسران سرکش!... بی‌آنکه با من رایزنی کنند، رهسپار می‌شوند تا به مصر فرود آیند؛ بهر آن که تحت حمایت فرعون در آیند و در سایهٔ مصر پناه جویند (۳۰: ۳-۱).
وای بر آنان که به مصر فرود می‌آیند تا از آنجا یاری طلبند... به‌سوی قدّوس اسرائیل روی نگردانده و با خداوند رایزنی نکرده‌اند (۳۱: ۱).

طومار تفسیر کتاب حقوق نیز یکی از طومارهای مهم مکشوفه در اولین اکتشاف است. حقوق که احتمالاً کتاب حقوقی را حدود ۶۰۵ تا ۵۸۶ ق.م نوشته، در مورد قدرت گرفتن بابلی‌ها و چیره شدن آنها بر یهودیان و شرایط بسیار سخت یهودیان می‌گوید و از جانب خداوند شکست بابلی‌ها و رهایی یهودیان را پیشگویی می‌کند. این کتاب با این جملات احساسی شروع می‌شود:

ای خداوند! تا به کی از تو کمک بطلبم تا مرا اجابت فرمایی؟ هرچه فریاد برمی‌آورم، بی‌فایده است؛ زیرا تو ما را از ظلم نجات نمی‌دهی. تا به کی باید ناظر این بی‌عدالتی‌ای که اطراف مرا گرفته است، باشم؟ چرا کاری نمی‌کنی؟ به هر جا نگاه می‌کنم، خرابی و ظلم می‌بینم. همه‌جا را جنگ و دشمنی فرا گرفته است؛ قانون اجرا نمی‌شود و دادگاه‌ها عدالت را به‌جا نمی‌آورند؛ شروران درست‌کاران را در تنگنا گذاشته‌اند و عدالت مفهوم خود را از دست داده است (حقوق، ۱: ۲-۴).

نکته مهم طومار تفسیر حقوق این است که قمرانیان محتوای کتاب را بر مسائل زمانه خودشان تطبیق داده‌اند: بابلی‌ها را کتیم (رومیان)، شروران را کاهن شرور و درست‌کاران را آموزگار حق (رهبر فرقه) می‌دانند (ورمش، ۱۳۹۹، ص ۵۹۰). تفسیر فرقه‌ای این طومار به‌خوبی به یهودیان قرن بیستم نشان می‌دهد که باید محتوای کتاب مقدس را بر اساس وقایع زمانه تفسیر کرد و معنای باطنی کلمات را برداشت نمود؛ از همین رو عبارات حقوق و پرسش‌های او از خدا به‌خوبی می‌تواند درد دل یهودی آزادیده از دو جنگ خانمان‌سوز اول و دوم و وضع اسفناک یهودیان اروپا و مهاجران آنها به آمریکا باشد. خداوند نیز وعده آینده‌ای خوش را برای پیروان معلم راستین در سرزمین یهودیه می‌دهد (IQpHab؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۵۹۱).

طومار سپاس منظم است و شبیه مزامیر سروده شده و احتمالاً سروده آموزگار حق، رهبر فرقه، است که به‌سبب بینشی که در خصوص اسرار الهی به وی موهبت شده و از اشرار رهایی یافته است، مدام خداوند را سپاس می‌گوید (ورمش، ۱۳۹۱، ص ۳۱۷). این طومار که دقیقاً در راستای سایر کتاب‌های فرقه است، با این ابیات شروع می‌شود:

همان‌طور که به‌دست موسی فرموده‌ای، تو انحراف، رذالت و گناه را می‌بخشی و سرکشی و بی‌ایمانی را عفو می‌کنی...؛ اما تو خواهی رهناید همهٔ آنانی را که به‌سبب مجازات‌های تو اصلاح گردیده‌اند و نسل ایشان تا ابد نزد تو خواهد بود. تو عهد خویش را نگاه داشتی و انحراف ایشان را خواهی بخشید و همهٔ گناهانشان را به کنار خواهی انداخت. تو تمام شکوه آدم را به ایشان به میراث خواهی داد و نیز وفور نعمت ایام را (IQH, IQ36؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۳۱۸-۳۱۹).

طومار لامک (کتاب مجعول پیدایش)، نوشته‌ای آرامی مربوط به سفر پیدایش است، آمیخته با داستان‌های متنوعی که بیشتر بر پایهٔ حکایات سفر پیدایش است. بنابراین، این طومار همان سفر پیدایش است که خلأهای آن را با جزئیات بیشتر پر می‌کند؛ مثلاً دربارهٔ علت اینکه چرا ابرام در مصر خود را برادر سارای معرفی کرد، گفته می‌شود که در واقع ابرام پیشنهاد خدا را عملی کرد (IQapGen XIX؛ در: ورمش، ۱۳۹۹، ص ۵۶۵).

اگرچه اکتشافات زیادی در غارهای یازده‌گانهٔ بحرالْمیت صورت گرفت و هزاران تکهٔ کوچک و بزرگ کشف شد، اما این هفت طومار اولیه که کشفشان آغازگر ماجرای بزرگ‌ترین کشف کتاب مقدسی قرن بیستم بود، می‌توانست دقیقاً در نقطهٔ زمانی مهم تشکیل دولت یهود توسط صهیونیست‌ها، این باور قلبی را در مهاجران یهودی تقویت کند که آنها به‌خواست الهی و در راستای تقدیری که از ازل برای آنها در نظر گرفته شده است، در فلسطین هستند و اگر جز این بود و در کشورهای خود می‌ماندند یا جذب فرهنگ‌های دیگر می‌شدند، کاری خلاف ارادهٔ الهی انجام می‌دادند.

نتیجه گیری

زمان کشف طومارهای بحرالْمیت، صاحبان طومارها و محتوای آنها به خوبی نشان می دهد که رازهای پشت پرده ای در پس کشف طومارها در دههٔ چهل قرن بیستم قرار دارد. باستان شناس، صهیونیسم و نظامی بودن کاشفان اولیهٔ طومارها، سرّی و انحصاری شدن هر گونه تحقیق روی طومارها، انطباق محتوای طومارها با اهداف سوسیالیستی صهیونیسم و اسنی بودن صاحبان طومارها، هیچ یک بر اساس تصادف نیست و همگی در کنار هم حاکی از آن است که برای تشویق یهودیان سراسر دنیا که در حال هم رنگ شدن با فرهنگ و تمدن جوامع خود بودند و دیگر آرزوی بازگشت به سرزمین موعود را در سر نمی پروراندند، باید دستاویز قوی اعتقادی یافت. این دستاویز، طومارهایی است متعلق به آخرین نسل یهودیان متدین و پارسا در یهودیه، که دو هزار سال پیش با حملهٔ ظالمانهٔ قدرت های کافر از بین رفته و آثار خود را برای احیای شاخهٔ یهود و محقق شدن وعدهٔ الهی در آینده، در خمره هایی سفالین در غارها مخفی کرده بودند و اینک در سال ۱۹۴۷م، هم زمان با به رسمیت شناخته شدن کشور اسرائیل توسط سازمان ملل، به خواست الهی از غارها بیرون می آیند تا گواهی باشند بر تقدیر محتوم الهی در مورد بازگشت یهود به سرزمین موعود و تشکیل دولت مستقل یهود.

منابع

- اشمیت، کارل (۱۴۰۱). *الهیات سیاسی (۱)*. ترجمه لایلا چمن‌خواه. تهران: نگاه معاصر.
- باغبانی، جواد (۱۳۸۸). نهضت مکابیان. معرفت ادیان، (۱۱)، ۷۳-۴۳.
- پیگلز، الین (۱۳۹۵). *انجیل‌های گنوسی*. ترجمه ماشاءالله کوچکی میدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضایی‌پناه، امیر (۱۳۹۳). جایگاه جنبش، احزاب و اتحادیه‌های کارگری در ساختار سیاسی - اجتماعی اسرائیل. *مطالعات منطقه‌ای آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی*، ۱۵(۲)، ۴۲-۱۹.
- سیار، پیروز (۱۴۰۳). مقدمه بر عهد عتیق، کتاب‌های پیامبران بر اساس کتاب مقدس اورشلیم. تهران: نی و هرمس.
- صانعی، مرتضی (۱۳۸۹). بسترهای شکل‌گیری صهیونیسم. معرفت ادیان، (۴)، ۱۱۵-۱۳۲.
- فدایی مهربانی، مهدی (۱۴۰۳). *الهیات سیاسی یهودیت*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاظمی، محمدمهدی (۱۴۰۲). *طومارهای بحرالْمیت عهد عتیق و مسیحیت اولیه*. قم: مؤسسه آموزش عالی حوزوی خاتم‌النبین.
- کریم‌پور، سعید (۱۳۹۹). مقدمه بر کتاب متن کامل طومارهای بحرالْمیت (آثار فرقه‌ای). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریمی والا، محمدرضا؛ مهدوی فرد، امیرعباس و آقایی میدی، احمد (۱۴۰۱). مرجعیت سیاسی در یهودیت تا قبل از پیدایش صهیونیسم. معرفت ادیان، ۱۳(۳)، ۱۰۳-۱۲۰.
- لیم، تیموتی (۱۴۰۴). *طومارهای بحرالْمیت*. ترجمه سعید کریم‌پور. تهران: حکمت سینا.
- مارکس، کارل (۱۴۰۲). درباره مسئله یهود، گامی در نقد فلسفه حق هگل. ترجمه مرتضی محیط. تهران: اختران.
- المیسری، عبدالوهاب محمد (۱۹۹۹م). *موسوعة اليهود واليهودية والصهيونية*. ج ۷: اسرائیل المستوطن الصهیونی. القاهرة و بیروت: دارالمشرق.
- ورمش، گزا (۱۳۹۹). متن کامل طومارهای بحرالْمیت (آثار فرقه‌ای). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرتصل، تئودور (۱۳۹۴). دولت یهود. ترجمه ناصر پورحسین. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- یادین، ایگال (۱۳۹۰). سرگذشت طومارها، ماجرای شگفت‌انگیز طومارهای بحرالْمیت و نگاهی کلی به آنها. ترجمه سعید کریم‌پور. قم: نشر ادیان.

Bagbani, J. (2009). The Maccabean Revolt. *Ma'rifat-e Adyan (Journal of Religious Knowledge)*, 1(1), 43-73.

Fadai Mehrabi, M. (2024). *Political theology of Judaism* [Elahiyat-e Siyasi-ye Yahudiyyat]. Tehran: Pajuheshgah-e Farhang va Andisheh-ye Eslami.

Herzl, T. (2015). *The Jewish State* [Doulat-e Yahud] (N. Pourhasan, Trans.). Tehran: Mo'asseseh-ye Motale'at-e Andisheh-Sazan-e Noor. (Original work published 1896)

Kazemi, M. M. (2023). *The Dead Sea Scrolls, the Old Testament, and early Christianity* [Toumarha-ye Bahr al-Meyt, Ahd-e Atiq va Masihiyyat-e Avaliyeh].

Qom: Khatam al-Nabiyyin Higher Islamic Seminary Institute.

Karimpour, S. (2020). *Introduction to the complete text of the Dead Sea Scrolls (Sectarian works)* [Moqaddameh bar Ketab-e Matn-e Kamel-e Toumarha-ye Bahr al-Meyt (Asar-e Ferqa'i)]. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS).

Karimi Vala, M. R., Mahdavifard, A. A., & Aghaei Meybodi, A. (2022). Political authority in Judaism until the emergence of Zionism. *Ma'rifat-e Adyan (Journal of Religious Knowledge)*, 13(3), 103–120.

Lim, T. (2025). *The Dead Sea Scrolls* [Toumarha-ye Bahr al-Meyt] (S. Karimpour, Trans.). Tehran: Hekmat-e Sina. (Original work published 2005)

Marx, K. (2023). *On the Jewish question; A step toward the critique of Hegel's philosophy of right* [Darbareh-ye Mas'aleh-ye Yahud, Gami dar Naqd-e Falsafeh-ye Haqq-e Hegel] (M. Mohit, Trans.). Tehran: Akhtaran. (Original work published 1843)

Al-Misiri, A. W. M. (1999). *Encyclopedia of the Jews, Judaism, and Zionism* (Vol. 7: Israel, the Zionist settlement). Cairo & Beirut: Dar al-Mashreq.

Pagels, E. (2016). *The Gnostic Gospels* [Enjilha-ye Gnosi] (M. Kochaki Meybodi, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi Publishing. (Original work published 1979)

Pirouz, S. (2024). *Introduction to the Old Testament: The books of the prophets based on the Jerusalem Bible* [Moqaddameh bar Ahd-e Atiq: Ketabha-ye Payambaran bar Asas-e Ketab-e Moqaddas-e Orshalim]. Tehran: Ney & Hermes.

Rezaeipanah, A. (2014). The status of the movement, parties, and labor unions in the political-social structure of Israel. *Regional Studies of America-Israel Studies*, 15(2), 19–42.

Sanei, M. (2010). The contexts of the formation of Zionism. *Ma'rifat-e Adyan (Journal of Religious Knowledge)*, 1(4), 115–132.

Schmitt, C. (2022). *Political theology I* [Elahiyat-e Siyasi (1)] (L. Chaman-Khah, Trans.). Tehran: Negah-e Mo'aser. (Original work published 1922)

Vermès, G. (2020). *The complete text of the Dead Sea Scrolls (Sectarian works)* [Matn-e Kamel-e Toumarha-ye Bahr al-Meyt (Asar-e Ferqa'i)]. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS).

Yadin, Y. (2011). *The story of the scrolls: The amazing adventure of the Dead Sea*

Scrolls and an overview of them [Sargozasht-e Toumarha: Majera-ye Shegeft-Angez-e Toumarha-ye Bahr al-Meyt va Negahi Koli be Anha] (S. Karimpour, Trans.). Qom: Nashr-e Adyan.

Baigent, Michael & Leigh, Richard (1991). *THE DEAD SEA SCROLLS DECEPTION*. New York: Simon & Schuster.

Baumgarten, Albert (2004). Who Cares and Why Does It Matter? Qumran and the Essenes, Once Again! In: *Dead Sea Discoveries*, 11(2), 174-190.

Ben Gurion, David (1948). <https://www.gov.il/en/pages/declaration-of-establishment-state-of-israel>.

Ben Gurion, David (1954). *Rebirth and Destiny of Israel. Mardekhai Nurocle*. New York: Philosophy Library.

Goodman, Martin (1995). A Note on the Qomran Sectarians the Essenes and Josephus. *Journal of Jewish Studies*, 46(1-2). 161-166. <https://doi.org/10.18647/1797/JJS-1995>.

Gospel of Thomas. by: Mark M. Mattison. <https://www.gospels.net/thomas>

Josephus (1927). *The Jewish War II, in The Loeb Classical Library*. H. ST. J. Thackeray (transl.). Massachusetts and London: Harvard University & William Heinemann LTD. <https://www.loebclassics.com/view/LCL487/1927/volume.xml>.

Lew, Yossi, (2025). What-Is-Aliyah. *chabad.org*. https://www.chabad.org/library/article_cdo/aid/1584066/Jewish/What-Is-Aliyah.htm.

Philo (1993). *THE WORKS OF PHILO, Complete and Unabridged*. C.D. Yonge (transl.). <https://archive.org/details/worksofphilocomp0000phil>.

Picard, Avi (2018). Building the country or rescuing the people: Ben-Gurion's attitude towards mass Jewish immigration to Israel in the mid-1950s. *Middle Eastern Studies*, 54(3), 382-399. DOI:10.1080/00263206.2017.1414698

Pliny (1961). *Natural History, II, in The Loeb Classical Library*. H. Rackham, M. A (transl.). Massachusetts & London: Harvard University & William Heinemann LTD.

The Assumption of Moses (1897). R. H. Charles (transl.). London: Adam & Charles Black.